

# Germaine BEAUMONT

## GALERIE DES ROSES

Je me souviens de roses, non pas de celles  
qui entouraient les fenêtres des Pentecôtes,  
celles qui fleurissaient libres et hautes,  
et qu'il fallait cueillir en montant aux échelles.

Ni les roses non plus des rosiers bas,  
à l'odeur pure, délicate et sans égale,  
celles qu'on appelait les roses de Bengale,  
et que l'on respirait et qu'on ne cueillait pas.

Ce ne sont pas non plus, follement embrouillées,  
dans l'abondance et le désordre de leurs grâces,  
livrées à tous les vents, à tous les doigts qui passent,  
les roses blanches du bouquet de la mariée.

Ce ne sont pas les roses d'arrogance et de fête  
qui portent fièrement des noms de dames ;  
les roses qui inventent de nouvelles gammes  
de couleurs, pour (qui sait ?) de nouvelles conquêtes.

Ce ne sont pas les roses presque stylisées  
des jardins publics, où se promènent,  
dans leur mélancolie comme dans un domaine,  
des jeunes femmes souriant, le cœur brisé.

Les roses dont je me souviens sont dans les livres.  
Ce sont les roses de griserie et de serments,  
les roses qui survivent éternellement  
au bonheur d'espérer comme au chagrin de vivre.

Les roses des poètes et des sages  
que sages et poètes chantèrent jadis :  
les roses d'Omar Khayam et de Saadi,  
dont rien n'a dissipé les odorants messages.



توضیحات

و

حواشی

4

# توضیحات و حواشی

## مربوط بصفحات فارسی این کتاب

### صفحه ۴

**سورنا** - «سورنا» یا «سورن» لقب و عنوان فرماندهان کل قوای ایران در زمان اشکانیان بود، ولی در تاریخ نام «سورنا» بطور خاص سردار معروف «ارد» اول پادشاه اشکانی اطلاق میشود که در سال ۵۳ پیش از میلاد مسیح، کراسوس سردار رومی و از یونهای او را در هم شکست و نام او در تاریخ بعنوان يك قهرمان فاتح ذکر میشود.

سطر ۴ - **اوریدیسی** - دختر آرتاباز پادشاه ارمنستان، که نقش او از لحاظ تاریخی چندان روشن نیست، و بعضی نیز وی را خواهر آرتاباز دانسته اند.

سطر ۵ - **کراسوس همسک** - «مسک» لقبی بود که رومیان به «کراسوس» سردار «تریومو برای» معروف رومی داده بودند که در دوره حیات خود مانند سورن اثر و تندترین مرد کشور خویش بود، و اصولاً حمله او بایران نیز بمنظور تجارت و تحصیل منبع درآمد تازه ای صورت گرفت. کراسوس با پیبه و سزار امپراتوری روم را تقسیم کرده بودند و هر کدام از این سه میخواستند با فتوحات مهمتر افتخارات بیشتری تحصیل کنند.

سطر ۷ - **ارد** یا «اردوان» پادشاه اشکانی در قرن اول پیش از میلاد مسیح، که موقعی که در تئاتر مشغول تماشای يك تراژدی یونانی بود، سر بریده کراسوس بدستش رسید و ارد بیاد پیغام سورنا به کراسوس افتاد که گفته بود: «اگر موتی در کف دست خوردیدی، پایتخت ما را هم خواهی دید»

### صفحه ۶

سطر ۱۰ : «نیروی هردو کراسوس را در هم شکست ... اشاره به کراسوس پدر و کراسوس پسر است. کراسوس که : کراسوس جوان» نامیده میشد یکی از فرماندهان بزرگ نیروی پدرش در جنگ با پارتها بود.

### صفحه ۸

سطر ۱۹ **مهرداد** برادر ارد و **فرهاد و پاکوروس** دو پسر ارد بودند. مهرداد علیه ارد شوریده بود، و ارد اندکمه میدهد که ممکن است فرهاد نیز علیه برادر بزرگش که ولیمهد است بشورد.

## صفحه ۹۳

سطر ۸- ارتاباز - نام يك عده از پادشاهان ارمنستان که مهمترین آنها همین ارتاباز است که در اینجا از او نام برده میشود. وی پسر تیگران پادشاه ارمنستان، و داماد مهرداد کبیر پادشاه ارمنستان بود.

## صفحه ۹۴

سطر ۲۷ - «خواهر مرا ملکه آینه کنید»، یعنی با ازدواج پسر خود در آورید، و این گفته سورتورا اینجانشی از جاه طلبی او نیست، بلکه منظوری جلو گیری از آن است که او را بدیس، دختر پادشاه ارمنستان، که مورد علاقه سورتورا است با ازدواج وایمبه، ایران در آید.

## صفحه ۴۰

«رد گون» دختر مهرداد کبیر، سردار بزرگ پارت و مؤسس سلسله اشکانی. مهرداد، نیکاتور پادشاه سلوکی هارا در جنگ معروفی اسیر کرد و بناحیه خراسان کنونی برد، و پس از چندی دختر خود را بدوداد تاوی در بازگشت متعده او باشد. این شاهزاده خانم بعد ها نقش بزرگی بنفع ایران در سوریه، سرزمین سلوکی ها بازی کرد.

سطر ۷: «نیکاتور» - دمنربوس نیکاتور (که کرنی او را اشتباهان نیکاتور نامیده است) پادشاه معروف سلسله سلوکی (چانشینان اسکندر) سوریه بود. ولی در جنگ با مهرداد اشکانی شکست خورد و با سارت افتاد، و چون در مدت غیبت او زنی کلئوپاتر بتصور مرک شوهر با ازدواج برادر شوهرش در آمده بود، نیکاتور نیز برای معاوضه بمن با «رد گون» دختر مهرداد که وی فرشته او شده بود زنانوشی کرد (سال ۱۴۹ پیش از میلاد مسیح)، سپس آزاد شد و بسوریه بازگشت، اما در آنجا کلئوپاتر او را در خفا با ضربت خنجر کشت و بعد بارد گونه که هر دو پسر نیکاتور دلداد او شده بودند در افتاد، اما در آخر کار مسموم شد و نفوذ رد گونه بلا منازع ماند.

سطر ۱۰: قرافون - سردار سوریه که در زمان نیکاتور بر او شورید و آنتیوخوس را کشت و خود را در سال ۱۳۷ پیش از میلاد مسیح پادشاه سوریه اعلام کرد، ولی سه سال بعد مجبور به فرار شد و خودکشی کرد.

سطر ۱۶ - مهنیس - بابتخت مصر قدیم که از آباد ترین شهر های دنیای کهن بود.

## صفحه ۴۴

سطر ۱۶: آنتیوخوس: آخرین ندر از سیزده پادشاه سلسله سلوکی که این نام را داشتند. وی در جنگ با اشکانیان شکست خورد و موقعی که يك سر باز

پارت اورا اسیر میکرد خودش را گشت.

### صفحه ۳۴

سطر ۵: «فارنا باز» - سردار معروف ایرانی که در زمان اردشیر دراز دست والی فریگیه و هلپونت دو ناحیه مهم شاهنشاهی ایران بود و بعد از شاه ایران مقتدرترین شخصیت این شاهنشاهی بشمار میرفت.

### صفحه ۳۶

سطر ۱۴: افز - یانفیس شهر معروف یونان در کنار دره‌های « اژه » که معبد « دیان » آن یکی از عجایب سبعة دنیای قدیم بود.

### صفحه ۳۸

سطر ۲۴: افر (Éphores) لقب و عنوان پنج تن از قضات درجه اول اسپارت قدیم، که جمع پنج نفری آنها تشکیل یکنوع «دیوان کشور» با اختیارات قضایی بسیار وسیع میداد و این دیوان بر کلیه تصمیمات پادشاه و دولت نظارت میکرد تا از ایجاد حکومت مطلقه سلاطین جلوگیری کند.

### صفحه ۴۰

سطر ۱۳: لیزاندر تلفظ فرانسوی «لوساندر»، نام سردار بزرگ اسپارت که در ۴۰۰ پیش از میلاد مسیح آتن را شکست داد و در ۳۹۵ پیش از میلاد کشته شد، و یکی از قهرمانان برجسته تاریخ اسپارت بشمار میرود. در تراژدی آژزیلاس ماندان دختر ایرانی که پادشاه و پسر او عاشق او هستند دل بهر این سردار میبندد.

### صفحه ۴۴

سطر ۲۶: هرمزدان. هرمز چهارم پادشاه ساسانی، که چندین سال با رومیان جنگید و سپس با بهرام چوبینه سردار خودش که پیروز مندانه با هیاطله بیکار کرده بود در افتاد و در آخر کار خلع و کور و سپس کشته شد.

سطر ۲۲: هراکلیوس امپراتور معروف روم شرقی در قرن هفتم میلادی که پادشاه بزرگی بود، ولی بکرات از خسرو پرویز پادشاه ایران شکست خورد، و بر اثر یکی از این شکست ها خسرو صلیب عیسی را که در بیت المقدس بود بنقش گسرفت. سلطنت هراکلیوس مانند خسرو، مصادف با آغاز پیشرفت های اسلام شد.

### صفحه ۴۶

سطر ۲۷: « حکم طبیعت را از باد بهرام »؛ مقصود شیرویه اینست که برای حفظ احترام قوانین، حاضر است علیه خسرو پرویز، با اینکه پدر اوست، قیام کند.

## صفحه ۴۰

سطر ۳: هر اکیوس - بشرح مربوط به صفحه ۳۴، سطر ۲۷، مراجعه شود)

## صفحه ۴۴

**امانتدار نادرست** . این قطعه را لا فونتن با آنندک تغییریری از کتاب کلیله و دمنه اقتباس کرده است .

## صفحه ۴۸

**استر** ؛ دختر زیبای یهودی، که بدربار خشایارشا راه یافت و سوگلی شاه ایران شد، و بانفوذی که در شاه داشت توانست بدستور عم خودش « مردخای » فرمان عفو یهودیان را که شاه بتحریرک « هامان » صدراعظم خود دستور قتل عام ایشان داده بود از خشایارشا بگیرد و بدین مناسبت هنوز یهودیان روز جشن مقدسی در سال بنام « روز استر » دارند.

با اینکه در تورات کتاب مستقلی بنام « استر » بشرح مفصل این جریان اختصاص داده شده ، و بهمین جهت داستان « استر » نیز از قرن‌ها پیش منبع الهام بسیاری از شعرا و نویسندگان و نقاشان و مجسمه سازان قرار گرفته ، هیچ مدرک تاریخی که صحت این داستان را ثابت کند در دست نیست ، زیرا بجز تورات ، در هیچیک از تواریخ ایرانی و اروپائی قدیم نامی از استر و ماجرای او برده نشده است . در تورات نام پادشاه ایران « اخشورش » Assuerus ذکر شده که از روی قرائن ، میتوان او را با خشایارشا تطبیق کرد .

در معرفی خشایارشا در تورات گفته شده : « ... این همان اخشورش است که از هند تا حبش بر مدویست و هفت ولایت سلطنت میکرد » (تورات ، کتاب استر ، باب اول) .

سطر ۵ : **وستی** باصلاح تورات « وشتی » ، زن خشایارشا و ملکه ایران که بروایت تورات : چون پادشاه در عالم مستی او را به بزم پاده گساری خاص خود در جمع باریان خواند و وستی بعلت حضور مردان مست از حضور در آن خود داری کرد مغضوب شاه شد . « امر فرمود که وشتی ملکه را با تاج ملوکانه بحضور پادشاه بیاورند تا زیبایی او را بخلایق و سرودان نشان دهد ، زیرا نیکو منظر بود ... » (تورات ، کتاب استر ، باب اول)

سطر ۲۱ : **هلسپونت** نام قدیمی و یونانی داردانل و ناحیه کنار آن در مغرب ترکیه کنونی .

سطر ۱۲ : **سپت‌ها** - قبایل ایرانی نژاد چادر نشین و جنگجوی آسیای مرکزی، که از ترکستان کنونی تا مشرق اروپا در تحت نفوذ خود داشتند و بارها فاتحانه بارو با حمله بردند .

سطر ۱۴ : **مردخای** - عم استر که در تورات چنین معرفی شده است :



« شخصی یهودی در دارالسلطنه شوشن بود که به مردخای ابن یائیر ابن شعی ابن قیس بنیامین مسی بود و از اورشلیم جلای وطن شده بود ... نبوکد نصر پادشاه بابل او و سایر امیران را با سیری آورده بود، و مردخا « هدهه » یعنی استر را تربیت مینمود، او دختر خوب صورت و نیکو منظر بود » (تورات، کتاب استر، باب دوم) .

### صفحه ۵۰

سطر ۱: « بیدرنك آنچه را که از من میخواهید بگوئید »، اقتباس از تورات : « ... و پادشاه در مجلس شراب به استر گفت مسئول توجیست که بتوداده خواهد شد، و درخواست تو کدام اگر چه نصف مملکت باشد بر آورده خواهد شد » (تورات کتاب استر، باب پنجم)

سطر ۱۰: « اهان باصطلاح تورات هانان، وزیر سوگلی و صدر اعظم خشایارشا که آخر مغضوب و بداد آویخته شد .

سطر ۱۲: « شما خود از فرمانهای خونینتان باخبرید » اقتباس از تورات : « ... و مکتوبات بدست چاباران بهمه ولایتهای پادشاه فرستاده شد تا همه یهود را از جوان و پیر و طفل و زن در يك روز یعنی سیزدهم ماه دوازدهم که ماه آزار باشد هلاک کنند و بکشند و تلف سازند و اموال ایشانرا غارت کنند » (تورات، کتاب استر، باب سوم)

سطر ۲۷: « نام او ابدالایاد » است: « اسم خدایا ابدالایاد متبارک باد، زیرا که حکمت و توانائی اذ آن وی است و او وقتها و زمانها را تبدیل میکند . پادشاهانرا معزول مینساید و پادشاهانرا نصب میکند » (تورات، کتاب دانیال، باب دوم)

### صفحه ۵۴

سطر ۵: « خداوند کورش را برگزید » اقتباس از تورات: « ... از خداوند به مسیح، خویش یعنی به کورش، که دست راست ترا گرفتم تا بحضور تو امتهای را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهانرا بشکایم. تا درها را بحضور تو مفتوح نمایم که دروازه ها دیگر بسته نشود... هنگامیکه مرا شناختی ترا به است خواندم و ملقب ساختم. من کمر ترا بستم هنگامیکه مرا شناختی » (تورات، کتاب اشعیا، باب چهارم و پنجم) و نیز: « ... امتهارا بوی تسلیم میکند و او را بر پادشاهان مسلط میگرداند و ایشانرا مثل غبار بشیروی و مثل کاه که پراکنده میگردد بکمان وی تسلیم خواهد نمود. اینست بنده ای که من دست او را گرفته ام، برگزیده من که روح من نسبت باو باعنایت است. من نفس خود را باو دادم و او راستی را برای مردمان آورد. او داد آنها را بر ارضی بستاند، خسته نشود و ورود تا آنکه عدالت را در روی زمین برقرار کند » (تورات، کتاب اشعیا، باب چهارم و پنجم)

## صفحه ۵۴

سطر ۹۲: «فرمان داد تا گاهنامه هارا بنزد او بیاورند» مراجعه به تورات: «...آن شب خواب از پادشاه بر رفت و امر فرمود که کتاب تذکره توادریخ ایام را بیاورند تا آن را در حضور پادشاه بخوانند» (تورات. کتاب استر، باب ششم)

## صفحه ۵۸

**مهرداد** نام یک‌عده از پادشاهان ارمنستان است که از زمان هخامنشی تا اواخر قرن اول پیش از میلاد مسیح در این کشور سلطنت می‌کردند. مهردادی که در این جا بدو اشاره شده: مهرداد هفتم یا مهرداد کبیر بزرگ‌ترین پادشاه تاریخ ارمنستان است که شصت سال پادشاهی کرد و بعد از آنیبال بزرگ‌ترین حریفی بود که روم در برابر خود یافت. وی بارها لژیونهای معروف رومی را شکست داد و در پایان یک دوره جنگ سی ساله، تا خود ایتالیا پیش راند، ولی شورش ولیمیداو فارناس ویرا مجبوره بازگشت با ارمنستان کرد و در آنجا مهرداد بفرمان خودش بدست غلامی بقتل رسید.

سطر ۷: **اسپارتا کوس** غلام معروف رومی که در سال ۷۴ پیش از میلاد همراه غلامان دیگر، علیه دولت روم شورید و دو سال سرداران ولژیونهای معروف رومی را شکست داد؛ ولی آخر مغلوب و کشته شد. نام اسپارتا کوس در تاریخ مظهر انقلاب طبقات محروم برای احقاق حق خویش است.

سطر ۷- **گلادیاتور** لقب رومی غلامانی که غالباً برای تفریح رومیان در سیرکها بجان هم می‌افتادند و می‌بایست در پایان کشتی، طرف فاتح مغلوب را بکشد.  
سطر ۱۸: **آنیبال** - بزرگ‌ترین سردار دنیای قدیم که در قرن سوم پیش از میلاد از کارتاژ به ایتالیا حمله برد و روم را تا آستانه سقوط رسانید، ولی از تصرف رم خودداری کرد و همین اشتباه بسقوط او منجر شد. کورش و آنیبال و سزار و اسکندر چهار سردار بزرگ دنیای کهنند.

سطر ۲۰: **کاپیتول** یکی از هفت تبه روم قدیم؛ که مرکز و قلب واقعی روم بشمار میرفت، و دارای دو بنای بزرگ بنام معبد ژوپیتر و دژ روم یا «آرکس» بود و افتخارات و بیروزیهای رم بر دیوارهای آن نوشته میشد.

سطر ۲۷: **پمپه** پسر سوس سردار و کنسول معروف رومی در قرن اول پیش از میلاد، که پس از فتح صاب پایتخت در اروپا و آفریقا، با کراسوس و سزار یک «تریومویرا» (حکومت سه نفری) برای اداره کشور تشکیل داد، ولی چندی بعد، کراسوس بدست اشکانیان کشته شد و پمپه نیز از ژول سزار شکست خورد و سزار دیکتاتور مطلق روم شد.

## صفحه ۶۳

سطر ۵ : **اورونت**، رودخانه معروف سوریه که از جبال لبنان شروع شده و نزدیک انطاکیه بدریای مدیترانه میریزد. این رود مدتهای دراز مرز بین شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم بود.

سطر ۵ : **گالین** امپراتور روم از ۲۶۰ تا ۲۶۸ میلادی که وردی ادیب و فیلسوف اما ضعیف النفس بود و آخر هم کشته شد.

سطر ۶ : **والرین** امپراتور روم، پدر گالین، که از ۲۵۲ تا ۲۶۰ سلطنت کرد ولی در سال ۲۶۰، در جنگی که با شاپور شاهنشاه ایران کرد اسیر و بایران آورده شد و در اسارت شاپور مرد.

## صفحه ۶۴

سطر ۶ : **حمص** شهر معروف سوریه، کنار رود اورنت، که در زمان رومیان معبد بزرگی بنام معبد آفتاب داشت.

## صفحه ۶۶

سطر ۱۷ : **هیرکانی** - ایالت مهم ایران قدیم، در محل گرگان و استرآباد و دامغان کنونی، که دریای خزر در این زمان آن «دریای هیرکانی» مینامیدند و مردم آن بچنگجویی شهرت داشتند.

سطر ۲۸ : **اسمردیس** سردوم کوروش، که بدست برادرش کبوجیه بقتل رسید، و چون این قتل محرمانه صورت گرفت، بعدها چندین نفر غاصبانه خود را اسمردیس دانستند که یکی از آنها گوتامای مغ بود و کبوجیه در بازگشت از سفر مصر که بتصرف این کشور منجر شد، نتوانست حقیقت را فاش کند.

## صفحه ۷۰

سطر ۱۰ : «تو برادرزاده کورش هستی و نزد سیت‌ها آمده‌ای» اشاره بروایت هرودوت است که طبق آن کورش برای سرکوبی سیت‌ها بسرزمین ایشان حمله برد و بدست ملکه ماساگت‌ها کشته شد و از این راه سابقه‌ای خونین بین خاندان کورش و سیت‌ها بوجود آمد.

## صفحه ۷۳

**شاه ایران** - فلور یسان این افسانه را از روی این شعر سعدی ساخته است :

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی برآوردند غلامان او درخت زریخ

## صفحه ۷۶

سطر ۱۸ : « شبح خون آلود کراسوس » (به شرح مربوط به صفحه ۴، سطر ۵، مراجعه شود).

سطر ۲۰ : **عرب مکار** - اشاره به عربی است که راهنمای لویونهای رومی در بیابان شد، و آنها را برای عوضی برد و گرفتار سواران اشکانی کرد.

## صفحه ۷۸

سطر ۲ : **فروغ بهشتی** اشاره به رانده شدن آدم از بهشت.

سطر ۸ : **نپتون**، رب النوع اقیانوس در میتولوژی یونان.

سطر ۱۰ : **ژوپیتر** - نام لاتینی زئوس خدای خدایان در میتولوژی یونان.

سطر ۱۵ : **پالمیر** شهر و قلمرو معروف باستانی بین سوریه و بین النهرین که در زمان ملکه زنوبیا باوج قدرت و ثروت خود رسید و رومیان پس از محاصره ممتدی در سال ۲۷۲ میلادی آنرا تصرف و ویران کردند. امروزه از این شهر دهکده کوچکی بنام تدمریاقی مانده که خرابه های معبد بزرگ بعل که لامارتین در اینجا بستونهای آن اشاره میکنند نزدیک آنست. لامارتین خود دو سفر به لبنان این خرابه ها را دیده و در سفرنامه خویش بتفصیل از آنها صحبت میکند.

## صفحه ۸۰

**گل‌های سعدی** . منبع الهام این قطعه معروف، این قسمت از دیباجة گلستان سعدی است:

« یکی از محبان گفتم : ازین بستان که بودی تحفه ای کرامت کن، گفنا بنحاطر داشتم که اگر بدرخت گل برسم دامنی برکنم هدیه اصحاب را، چون بر رسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت . »

## صفحه ۸۳

سطر ۵ : « اسفل السافلین » . شاید این کلمه را بتوان ترجمه مناسبی برای Nadir دانست که مقصود از آن ، پایین ترین نقطه زیر پای بشر در دائرة افلاك است و نقطه مقابل Zenith است که بالاترین نقطه بالای سر در افلاك محسوب میشود. قسمت مربوط بتوصیف این مرکز ظلمت که هوگوسمی کرده است تاریکی و پریشانی آنرا در چند شعر تشریح کند، با اینکه مبهم بنظر میرسد تقریباً ترجمه تحت اللفظی اشعار هوگوس است.

## صفحه ۸۴

سطر ۸ : **راشل** ، زن یعقوب و مادر یوسف که خیر در بند شدن فرزندش را توسط گرگی شنید و همه عمر را در غم یوسف بسر برد.

سطر ۸ : هکوب ، زن پریام پادشاه افسانه‌ای «تروا» که در جنگ تروا هر نوزده پسر او کشته شدند و بد هم شوهر و دختر و نو عاش را در برابر چشش قطعه قطعه کردند ، و « همرا » ماجرای غم انگیز او را در « ایلیاد » نقل کرده است.

سطر ۸ : الکترا ، دختر آگاممنون قهرمان افسانه‌ای یونانی که «تروا» را محاصره و فتح کرد ، و در بازگشت بدست کسانش بقتل رسید و دخترش کمر با نقامجویی قتل پدر بست . این سه نفر (راشل ، هکوب ، الکترا) در آثار شاعرانه ویکتور هوگو همیشه بعنوان مظهر و نماینده بدبختی و ستمکشی نام برده میشوند.

### صفحه ۸۸

سطر ۳۰ : «گمور» شهر آباد فلسطین که بروایت تورات ، در آتش قهر خداوند بسوخت.

سطر ۳۱ : «تب» : شهر بزرگ مصر قدیم که آنرا از فرط عظمت « شهر صد دروازه » نام داده بودند.

سطر ۳۱ : «مفیس» (شرح مربوط به صفحه ۲۰ ، سطر ۱۶ ، مراجعه شود)

سطر ۳۱ : فرود پادشاه افسانه‌ای ستمکار کلدی که در تورات از او یاد شده است.

سطر ۳۲ : «مارک اورل» - مارکوس آدریوس دانشمندترین و باادساترین امپراتوران روم قدیم که اندیشه ها و کلمات قصار او شهرت خاصی دارد .

گمدا ، گمدا یوس پرمارک اورل که یکی از خونخوارترین و فاسدترین امپراتوران روم بود و بالاخره هم مسموم و خفه شد.

### صفحه ۹۴

سطر ۸ : سیت ها - قبایل ایرانی نژاد چادرنشین و جنگجوی باستانی آسیای مرکزی .

سطر ۹ : ماگرون ها قبایل باستانی ایرانی نژاد دیگر آسیای مرکزی .

سطر ۱۰ : پافلاگونی کشوری مستقل در آسیای صغیر ، در مغرب ترکیه کنونی ، که مردم آن بخشونت و ناهمی معروف بودند .

سطر ۱۳ : «دک ها» یا «داس ها» ، ساکنین قدیم قسمتی از کشور

فعلی رومانی که داریوش سرزمین آنها را ضمیمه امپراتوری ایران کرد .

سطر ۱۴ : سفدیان ؛ سرزمین قدیمی آسیای مرکزی ، کنار رود سیحون ،

که داریوش بزرگ در کتیبه های خود از آن به عنوان یکی از ایالات مهم شاهنشاهی ایران نام برده ، و سر قند کنونی در محل پایتخت سابق آن ساخته شده است .

سطر ۲۰: **تراکیه** سرزمین باستانی شمال یونان که جزء مستعمرات ایران بود، و امروزه نیمی از آن متعلق به یونان و نیمی دیگر مال بلغارستان است .  
سطر ۲۲: **سوسپیرها** قبائل نیمه وحشی که در جنوب قفقاز کنونی سکونت داشتند .

**لیگی ها**، قبائل ساکن آسیای صغیر و شمال آذربایجان کنونی

سطرهای ۲۳ و ۲۴: **سگاکها** ، **میسواها** ، **ددیک ها** ، سه قبیله نیمه وحشی شمال ایران قدیم . ددیک ها را محققین اروپائی همان « تاجیک ها » ی امروزی شمرده اند که در اطراف بخارا سکونت داشتند، زیرا کلمه تاجیک در رسم الخط یونانی مثل ددیک نوشته میشود .

### صفحه ۹۴

سطر ۴ - **سارد** پایتخت سابق « لیدیه » کشور معروف باستانی آسیای صغیر، که مرکز پادشاهی کرزوس ثروتمندترین پادشاه دنیای باستان بود، و کشور او بدست کوروش تصرف شد .

سطر ۵ : **موسک ها** یا « مسخ ها » قبائلی که در ناحیه گرجستان کنونی میزیستند .

سطر ۵ : **گت ها** شعبه ای از اقوام سبت ، ساکن قسمت اروپائی ترکیه کنونی و جنوب رود دانوب که بعدها با « دک ها » یکی شدند .

سطر ۵ - **باختر** - سرزمینی در شمال شرقی ایران کنونی، شامل قسمتی از افغانستان و ترکستان فعلی شوروی، که نخستین قانون مدنیّت نژاد ایرانی بود و بعد که نوبت حکمفرمایی به مادها و پارس ها رسید ، یکی از ایالات شاهنشاهی ایران شد . داریوش در کتیبه های خود باختر را یکی از نواحی مهم امپراتوری خویش شمرده است .

سطر ۵ - **هیشتاب** سردار داریوش از « آتوسا » دختر کوروش .

سطر ۷ : **قیبارن ها** ، قبائلی که در شمال شرقی آسیای صغیر ( ترکیه کنونی ) ساکن بودند .

سطر ۸ : **لیب ها**، قبائل وحشی قدیمی ، ساکن ناحیه ای در بلغارستان کنونی که معلوم نیست چرا هوگو آنها را « سیاه » شمرده است .

سطر ۹ : **استریمون**، نام قدیمی « استروما » رودخانه ای در بلغارستان امروزی که سابقاً در داخله خاک شاهنشاهی ایران بود .

سطر ۱۲ : **قندارها** ، قبایل چادر نشینی که در منطقه خوارزم و سغد سکونت داشتند .

سطر ۱۵ : **سرزمین اهرام** : مصر .

سطر ۱۷: **هیرکانی** (بشرح مربوط به صفحه ۶۶، سطر ۱۷، مراجعه شود)

سطر ۱۸: **میلی ها**، ساکنین «میله» شهر معروف قدیم آسیای صغیر در کنار دریای اژه. میله زادگاه بسیاری از فلاسفه و بزرگان یونان و مرکز اصلی مکتب فلسفی «یولی» بود و در زمان داریوش جزو شاهنشاهی ایران درآمد.

سطر ۲۰: **اوپیر** ناحیه ای در آسیای غربی که محل قطعی آن هنوز معلوم نشده و در تورات بعنوان مرکزی که سلیمان پیغمبر از آن طلا استخراج میکرد نام برده شده است.

سطر ۲۱: **فتا** ناحیه ای در مصر قدیم که مصریان آن را قلمرو یکی از ارباب انواع مفسس میشردند.

سطر ۲۵: **جنگ** رودخانه معروف و مقدس هندوستان که از هیمالیا سرچشمه میگردد و از الله آباد و بنارس میگذرد و بتخلیج بنگال میریزد.

سطر ۳۲: **اندور** شهری در فلسطین قدیم، مرکز زن غیبگوی معروفی که در تورات از او نام برده شده. شاعول در شب جنگ بزرگی توسط این غیبگو از روح شموئیل کمک خواست و شموئیل بدو گفت که جنگ بشکست و مرک او پایان خواهد یافت. بدین مناسبت در این جائز از ذنی که «غیبگوی آندور» بود نام برده شده است.

### صفحه ۹۶

سطر ۱۲- **نینوا** پایتخت سابق امپراتوری آشور، در کنار دجله.

سطر ۱۲- **سیباریس**، شهر معروف ایتالیای قدیم، که ساکنین آن با اصطلاح به «نازک نارنجی» بودن شهرت داشتند و معلوم نیست چرا هوگو در اینجا از آن نام برده است.

سطر ۱۲- **سدوم** شهر قدیم فلسطین که بسیار آباد بود و همراه چهار شهر دیگر، در آتش فخر خداوند سوخت. و برانی «سدوم» و «گومور» در تاریخ ضرب المثل شده است.

سطر ۳: **اسیان** «نیه» لقب اسبهای قدیم سرزمین «ماد» بود که در ایران و آشور و مصر بقدرت و بادبیمایی شهرت داشتند.

سطر ۹ و ۱۰: «سغه» مجموعه «قیعاس» در هیئت ایران و عرب. **پروسیون** درختا نترین ستاره مجموعه دب اصغر که به «شعرای شامی» موسوم است.  
**کاستور و پلوکس** دو ستاره «جوزا» که اولی ستاره غربی و دومی شرقی این مجموعه است. **السیون** الکیون مجموعه ثریا.

## صفحه ۹۸

- سطر ۱۸ : شاه هر سه اگیاتان اشاره به سه حصار شهر اگیانان است .
- سطر ۳۰ : **احکاماندر** رود معروفی در ترواد ، یکی از نواحی غربی آسیای صغیر در مغرب ترکیه کنونی ، که شهر « تروا » پایتخت آن بود ، و هر و شعرای قدیم غالباً اذیبتائی این رودخانه در اشعار خود سخن گفته اند .
- سطر ۳۲ : **ایندوس** نام یونانی **سند** ، رود بزرگ و معروف هندوستان که بدریای عمان میریزد و قاعدتاً نییابست در مسیر سیاهی باشد که از ایران بسوی یونان میرفته است ، مگر آنکه قسمتی از سیاه ایران که از هندوستان میآمده ، رد نظر باشد .
- سطر ۳۳ : « **آرتابان** » عم خشیارشا و فرمانده گارد او که بعد از شاه بزرگترین شخصیت کشور بود و آخر نیز طبق روایتی خشیارشا بدست او کشته شد ، ولی وی نیز که اینکار را به قصد سلطنت خود کرده بود پادشاهی نرسید و اردشیر دراز دست او را بقتل رسانید .
- سطر ۳۶ : « همه جا درد نبالش طعمه آتش میشد » ... باید توجه داشت که منبع این طعمه و بکتور هوگو نوشته های «ورخین یونانی منجمله هرودوت است که غالباً شرح حمله خشیارشا را بیونان با فرض ورزی های بسیار درآمیخته اند .

## صفحه ۱۰۰

- سطر ۱ : **کائیک** نام فرانسوی « کائیکوس » رود خانه آسیای صغیر که از جنوب پرگام میگذشت و بدریای اژه می ریخت و امروز « بکیر چای » نام دارد .
- سطر ۲ : « **تب و نو و** » که **تبه** پایتخت قدیم سرزمین « بشوسی » در شمال یونان که یکی از پنج کشور متحد یونان بود و امروز « تیوا » نام دارد . در تاریخ یونان باستان تب و بشوسی مقام مهمی دارند و بکیر نیز بشوسی با ابران علیه اسبارت متحد شد .
- سطر ۳ : **کوه ایدیا** : رشته کوهی در آسیای صغیر ، در ناحیه میسی ، مغرب ترکیه کنونی ، نزدیک شهر تاریخی و افسانه ای « تروا » .
- سطر ۴ : **آارات** . کوه معروف واقع در مشرق ترکیه ، نزدیک مرز ایران ، که روایت نورات کشتی نوح در قلعه آن بخشکی نشست .
- سطر ۷ : **هالیس** : نام یونانی رودخانه « **فزل ایرماق** » در ترکیه که بدریای سیاه میریزد .
- ۷ : **فریستگه** کشور مستقل قدیمی مرکز آسیای صغیر که مدن و فرهنگ



درخشانی داشت . سرزمین فریگی ها بدست کروزوس پادشاه لیدی تصرف شد ولی بعداً هم لیدی و هم فریگیه بدست کوروش جزو شاهنشاهی ایران درآمدند .

سطر ۸ : **مثاندر** : رود معروف ترکیه که امروز « مندرس » نامیده میشود و پرپیچ و خمی آن ضرب المثل شده است .

سطر ۸ - **اپولن** - رب النوع نور و هنر در یونان قدیم .

سطر ۹ : **کلن** : شهر قدیم آسیای صغیر، در فریگیه، که بعدها آتیوخوس پادشاه سوریه آنرا بکلی منهدم و نابود کرد و مردمش را به ناحیه « آپامه » کوچ داد .

سطر ۹ - **مارسیاس** - نی ژن افسانه ای فریگی، که خود را در نی ژنی از آپولن رب النوع هنر بالا تر شمرد، و آپولن داور بی بنده خدایان برد، و چون خدایان آپولن را برنده این مسابقه شناختند، آپولن طبق قراری که گذاشته شده بود مارسیاس را بدرخت صنوبری آویخت و زنده زنده پوست کند .

سطر ۱۰ : **کولوسوس** شهر قدیم آسیای صغیر، در فریگیه، که مرکز مهم یونانیان آسیایی و مدتی جزو ایران بود، و بعدها ضمیمه روم شد .

سطر ۱۱ : « **مینرو** » ، الهه خرد و هنر در یونان قدیم، که یونانیان او را « آتنا » مینامیدند و دختر زئوس خدای خدایان میدانستند .

سطر ۱۱ - **لیکوس** - رودخانه آسیای صغیر، که از منطقه فریگیه میگذشت و شهر بزرگ کولوسوس در کنار آن بنا شده بود .

سطر ۱۲ - **سیدون** - شاید مقصود سیدن یا « سیدنوس » ناحیه ورود کیلیکیه باشد که از نظر آنکه اسکندر نزدیک بود در آن غرق شود و فردریک «ریش قرمز» در آن غرق شد شهرت تاریخی دارد .

سطر ۱۲ - **کروزوس**، پادشاه معروف باستانی لیدی که از لحاظ ثروت بیحسابش ضرب المثل شده است . وی آخرین پادشاه لیدی بود، زیرا در سال ۵۴۸ پیش از میلاد، کوروش بزرگ کشور او را تصرف کرد و از آن پس لیدی برای همیشه استقلال خود را از دست داد .

سطر ۱۲ - **آرب** : نامی که در میتولوژی یونان به منطقه ظلمانی زیر زمین داده بودند که بقایای یونانیان قدیم بین زمین و جهنم فاصله بود .

سطر ۱۶ - **دیانا** یا **ارتمیس**، دختر خدایان و الهه جنگل و شکار در میتولوژی یونان .

سطر ۱۸ - **آتوس** کوهستان معروف یونان، در ناحیه مقدونیه، در کنار دریا که اکنون از نظر صومعه بزرگ و بینظیر خود مشهور است .

سطر ۱۹ : **آکانت**، تلفظ فرانسه « آکانتوس » شهر قدیم مقدونیه

در کنار دریای سیاه نزدیک کوه آتوس ، که خشایارشا بردماغه آن پلی زد .

سطر ۲۱ : **اییدوس** ، شهر معروف کنار داردانل ( هلسپونت قدیم ) که خشایارشا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد ، هنگام حمله خود پیونان فرمان داد تا در کنار آن پلی ازین سوی دریا بدان سو بیندند .

سطر ۲۲ - **سیت و هدیت** دو شهر کوچک کنار داردانل که یسکی در آن سوی بغاز در مقابل اییدوس و دیگری در کنار اییدوس بود و تلفظ اصلی آنها « سستوس » و « مدیتوس » است .

سطر ۱۳ : **صور** شهر معروف معروف قینیقیه قدیم که از بزرگترین مراکز تجارت دریائی بود . نام صور وصیدا هر دو در تاریخ به ثروت و بزرگی باقی مانده است .

سطر ۳۸ : **هلسپونت** نام یونانی داردانل .

سطر ۳۸ - **پل اوگسن** - نام قدیم دریای سیاه .

سطر ۳۳ - « **سبصد** ضربت شلاق بر آبهای اقیانوس زدند » . این افسانه که توسط هردوت ذکر شده و اساس قطعه « هوگو » قرار گرفته ، با احتمال قوی ساختگی است .

سطر ۲۴ - **خدای دریای** ، نیتون پسر زحل و برادر خدای خدایان که رب النوع آنها است .

## صفحه ۱۰۲

سطر ۱ : **الهة اقبال**، Fortune در اصطلاح یونانی « توخه » ربه النوع تقدیر و سعادت در نزد یونانیان و رومیان که با چشم بسته اقبال را تارابن و آن میکرد ، و بخدای دریا دبستگی داشت .

سطر ۲ : **ئثونیداس** پادشاه اسپارت در هنگام حمله خشایارشا که به تنگه ترموپیل رفت و با سبصد سرباز اسپارتی که همراهش بودند جملگی بدست قوای ایران کشته شدند .

سطر ۵ : **سوفوکل** - سوفوکل شاعر بزرگ یونان قدیم ، که تراژدیهای او همه ارشاهکارهای ادب جهان شمار میروند . سوفوکل که بیش از نود سال عمر کرد در جنگ سالامین شرکت جست و در آن هنگام شانزده سال بیشتر نداشت .

سطر ۶ : **سالامین** جزیره کوچک دریای یونان ، که سواحل آن میدان جنگ دریائی معروف خشایارشا و یونان شد .

سطر ۷ : **آرب** ( به شرح سطر ۱۴ صفحه ۱۰۰ مراجعه شود ) .

## صفحه ۱۰۴

سطر ۱۱ : « چون حافظ و سعدی که روزگاری نغمه سرائی میکردند » ؛  
در اصل، شعر هوگو چنین است : « چون حافظ که در گذشته غزل میسرود ، و  
چون سعدی که اکنون میسراید » . و البته هوگو در تقدم و تاخر این دو شاعر ،  
اشتباه کرده است .

سطر ۱۷ : « در شهر میسور با فردوسی آشنا شدیم » . میسور شهر بزرگی  
در هندوستان است که فردوسی هرگز بدان سفر نکرد و ظاهراً هوگو آنرا بجای  
غزنین که ذکر آن در شعر اشکال داشته، و برای هم قافیه شدن با « L'aurore »  
آورده است .

سطر آخر - « فروغ من نیز خاموش شده است » اشاره به منسوبیت  
فردوسی از طرف سلطان محمود است . « هائری مأسه » در تفسیر این نکته،  
این قطعه را یکی از عالیترین آثار فکری رمانتیسیم فرانسه شمرده است .

## صفحه ۱۰۶

سطر ۴ - **فاز** ناحیه کرانه رودخانه ای بهمین نام در آسیای صغیر که  
بدریای سیاه میریخت .

سطر ۵ - **اوخوس** ، لقبی که یونانیها به زردشیر سوم شاهنشاه هخامنشی داده  
بودند که مصر را که شوریده بود دوباره تصرف کرد و اندکی بعد کشته شد .

سطر ۱۶ : **قره** شهر نیمه تاریخی و نیمه افسانه ای آسیای صغیر که با  
یونان جنگید و « همر » با ایلید خود نام آنرا جاودانی کرده است .

سطر ۱۶ : **مهنیس** ( بشرح صفحه ۸۸ ، سطر ۳۱ مراجعه شود )

سطر ۱۶ : **فارس** : شهر ترکیه ؛ کنار رود سیحون در مغرب عدنه .

سطر ۱۷ : **پروس** پادشاه امیر (یکی از کشورهای یونان) در قرن سوم  
پیش از میلاد مسیح، که سالها دیرانه با رومیان جنگید و نیکباز نیز بیروزمندانان بخاک  
ایتالیا حمله برد ولی آخر شکست خورد و کشته شد . بوی لقب کبیر داده اند .

سطر ۱۷ : **پسامتیکوس** ، نام یونانی پسامتیک، فرعون مصری قرن هفتم پیش از  
یلاد مسیح، مؤسس سلسله بیست و ششم فرعون مصر که نواده او، پسامتیک سوم با  
پسامنیت ؛ در سال ۵۲۵ پیش از میلاد از کیوجیه شکست خورد و از آن تار  
جزو شاهنشاهی ایران درآمد .

سطر ۲۱ : « **حور شید مقامی** » - این لقبی است که به لوتی جهاد هم  
پادشاه فرانسه داده بودند « Le Roi - Soleil » ؛ و هوگو آنرا بطور عامه در مورد  
پادشاهان و بزرگان بکار برده است

سطر ۲۳ : **سلطان ها** ، مقصود پادشاهان عثمانی است که اروا تا قبل از آنهارا

برسم عثمانیها «سلطان» مینامیدند.

سطر ۲۵: ارشاك نام اشکانی که بعد تبدیل به «اشك» شد.

سطر ۲۶: میماگزار نام یونانی «هوخ شتر» پادشاه معروف ایرانی سلسله مادها که امپراتوری آشور را منقرض کرد و نینوا پایتخت آنرا برای همیشه درهم کوبید و از میان برد. ولی اندکی بعد سلسله خود او بدست کورش منقرض شد و سرزمین ماد جزو شاهنشاهی هخامنشی درآمد.

سطر ۲۶: سئوس، تلفظ یونانی سنی، فرعون مصری سلسله نوزدهم، پندرامس کبیر، در چهارده قرن پیش از میلاد مسیح

سطر ۲۶: اردانوس، سردار نیمه تاریخی و نیمه افسانه‌ای که شهر معروف «تروا» را بنیاد افکنند و سلسله پادشاهان اولیه روم خود را از اعقاب او میدانستند.

سطر ۲۶: کولاس پادد کولیداس سردار اسپارت در قرن پنجم پیش از میلاد.

سطر ۲۷: فیونصر پادشاه کهنه در قرن هشتم پیش از میلاد که در تورات از او نام برده شده.

سطر ۲۷: اسرمدون، پادشاه آشور در قرن هفتم پیش از میلاد، که شهر بابلی را که بدست بدارو سناخریب ویران شده بود از نو ساخت و قسمتی از مصر را ضمیمه امپراتوری آشور کرد.

سطر ۲۸: آنتیوخوس، نام ۱۳ تن از پادشاهان سلوکی سوریه که جد آنها مدلوکوس اول جانشین اسکندر بود.

سطر ۲۹: سزوی سترایس نام یکجمله از قراعنه مصر که اسم مصری آنها سنوسیت بوده است

سطر ۲۷: آفریبال سردار معروف کارتاز که در سال ۲۶۸ پیش از میلاد بر م حمله برد و سخت ترین شکست اولیه تاریخ روم را بر زمین وارد آورد. او و کورش و اسکندر و ژول سزار بزرگترین سرداران جنگی دنیای باستانند. (مراجعه بشرح صفحه ۸۵)

سطر ۲۷: استیالك تلفظ یونانی ازدهاك آخرین پادشاه ایرانی سلسله ماد که از کورش بزرگ شکست خورد و سلسله ماد با او منقرض شد.

سطر ۲۷: سیلادبکتانور رومی قرن اول پیش از میلاد مسیح، که پسر داد کبیر پادشاه ارمنستان را شکست داد و چندین سال بنفع طبقه اشراف روم حکومت مطلقه کرد

سطر ۳۰: اشیل یا اخیلوس، بزرگترین قهرمان ایلیاد هر که مقامی نظیر رستم در شاهنامه دارد و داستان جنگهای تروا از دلیرانهای این قهرمان افسانه‌ای آکنده است.

سطر ۳۰ : قیصر ژول سزار، سردار و دیکتاتور رومی قرن اول پیش از میلاد، که بزرگترین شخصیت تاریخ روم و یکی از برجسته ترین سرداران تاریخ جهان است .

### صفحه ۶۰۸

سطر ۱- سزوستریس ( بشرح مربوط به صفحه ۱۰۶ سطر ۲۹، مراجعه شود).

سطر ۱: کدموس قهرمان افسانه‌ای اهل فینیقیه، که بر وایت یونانیان به بتوسی در یونان رفت و شهر معروف «تب» را بنی افکند، و الفبای فنیقی را برای یونانیان از یونان برد .

سطر ۲: رب النوع طوفان، Typhon رب النوع مصر قدیم که خدای ظلمت و ناآرامی بود بعد یونانیان او را مظهر طوفان و ویرانی شمرده‌اند.

سطر ۴: اخوس (بشرح مربوط به صفحه ۱۰۶ سطر ۳ مراجعه شود)  
سطر ۵: تاوروس کوهستان معروف آسیای صغیر در مغرب ترکیه کنونی، که در ادبیات و تاریخ یونان قدیم بکرات از آن نام برده میشود .

سطر ۵: هکوب (بشرح مربوط به صفحه ۸۴، سطر ۸، مراجعه شود)

سطر ۵: اشیل (بشرح مربوط به صفحه ۱۰۶ سطر ۳۰ مراجعه شود)

سطر ۶: تزه قهرمان نیمه افسانه‌ای و نیمه تاریخی یونان که بر اثر توهینی که به بنوتن رب النوع دوزخ کرده بود، محکوم بدان شد که الی الابد در دوزخ نشسته بماند .

سطر ۶: استیبات (بشرح مربوط به صفحه ۱۰۵، سطر ۲۶، مراجعه شود)  
سطر ۱۴: راهمسی، بزرگترین فرعون تاریخ مصر، در قرن نوزدهم پیش از میلاد، از سلسله نوزدهم فراخته مصر. در زمان او امپراتوری مصر به اوج عظمت خود رسید.

سطر ۲۵: صور (بشرح مربوط به صفحه ۱۰۰، سطر ۲۳، مراجعه شود)  
سطر ۲۵: باتیل و اماندیلیس نام دو تن هنرمند افسانه‌ای روم قدیم، که اولی مردی موسیقی‌دان و دومی زن چوبانی بسیار زیبا بود و ویرز بنی در اثر معرفی از آنها نام برده است. «اماندیلیس» بر اثر قدرت هنر باتیل منلوب عشق او شد.

### صفحه ۶۱۰

سطر ۴- یهسوه، نامی که در نورت به خدا داده شده .  
سطر ۱۶- تمالات با نکلت فلسر، پادشاه آشور در قرن نوزدهم پیش از میلاد مسیح . موگو او را پادشاه مصر دانسته است .

سطر ۱۶ - **گادیا جاد**، پسر یعقوب پیغمبر که بروایت تورات پادشاهان ستیگر  
مناصر خود را لعنت کرد و روح این پادشاهان گرفتار عذاب جاودانی شد .

سطر ۲۷ : **تیبیر یا** « ته و ه ره » رودخانه معروف ایتالیا که از شهر  
رم میگذرد و در تاریخ روم مقامی برجسته دارد

سطر ۲۸ : « بله های آن معبد یا صفحات آن هر آن » . مقصود آنست که  
هر آیین و فلسفه ای فقط با گذشت زمان میتواند استوار شود .

### صفحه ۱۱۴

سطر ۳ : **لاهور** شهر تاریخی و بزرگ هندوستان .

سطر ۴ : **گایخند** - یکی از کشور های آباد و مستفل سابق هندوستان  
که امروز « چندر آباد » نام دارد ، و در سال ۱۶۸۷ بدست اورنگ زیب  
تصرف شد . در گذشته ، پایتخت این سرزمین ، گنجینه ها و خزانه های چنان گرانبها از  
جواهرات بود که نام آن ازین حیث در ادبیات جهان بصورت ضربالمثل  
درآمده است .

سطر ۷ : **آبایدورفا** ملکه ماساگت ها که بروایت هرودوت  
با کوروش جنگید .

سطر ۸ - **اور** شهر باستانی کهنه ، در جنوب بین النهرین کنونی کسره مهد  
تمدنی بسیار کهن ، و زادگاه ابراهیم پیغمبر بود . ابراهیم با قبیله اسرائیل ازین  
ناحیه به فلسطین مهاجرت کرد .

سطر ۸ - **سارث** ( بشرح مربوط به صفحه ۹۴ . سطر ۴ - مراجعه شود )

سطر ۱۰ - **اورفیه** تلفظ فرانسوی « اورفئوس » شهرمان سمه افسانه ای  
و نیمه تاریخی یونان قدیم که اورا پسر اپولون رب الشوع هنر و کلیو الهه شعر  
میدانستند ، وفات او در موسیقی خان بود که حیوانات درنده را رام میکرد  
افسانه اورفئوس حاکی است که وی بدنبال زن جوان خودش که با نیش ماری  
مرده بود بدنیای دیگر رفت و نغمه ای چندان دایمیر نواخت که باسداران دوزخ  
ژنش را بوی باز دادند .

سطر ۱۰ - **یوحنا** یکی از دوازده حواری عسی . که یکی از انجیل های چهارگانه  
( انجیل یوحنا ) بدست او نوشته شده است .

سطر ۱۲ : **شهر بزرگترین شاعر دنیای قدیم** که در قرن نهم پیش از  
میلاد مسیح در یونان میزیست و « ابلاد » و « اودیسه » دو شاهکار جاودانی  
شعر جهان ، یادگار اوست این شاعر کور و سرگردان و بدبخت را یکی از  
بانه های چهارگانه نظم جهان شمرده اند ، ولی تعقیبات جدید در وجود او ، یا  
لااقل در اینکه این هر دو اثر از او باشد ، تردید کرده است .

سطر ۱۹ سزوستریس ( بشرح مربوط بصفحه ۱۰۶ ، سطر ۲۹ ،  
مراجعه شود ) .

### صفحه ۱۱۴

سطر ۱ : « میگوید من زرتشتم » . این شعر از معروفترین اشعار قطعه  
مانان Les Mages است که بعضی آنرا عالیترین اثر شاعرانه ویکتور هوگو  
دانسته اند .

سطر ۷ : ژوپیتر نام لاتینی زئوس، خدای خدایان در میتولوژی یونان .  
سطر ۷ - ویشود دومین رب النوع از ارباب انواع سه گانه میتولوژی هندوستان  
که او را حافظ دنیا و بانی اصل تناسخ میدانند .

سطر ۷ - مهر مظهر خورشید و روشنایی در میتولوژی ایران قدیم، که آئین  
بزرگ : مهر پرستی « که چندی آئین رسمی امپراتوری روم شد و چیزی نمانده  
بود بجای مسیحیت آئین تمام دنیای غرب شود ، مربوط بدوست .

سطر ۱۲ : کوسیم روحانی و جراح معروف فرانسوی در قرن هجدهم .  
سطر ۲۱ : لیزوا ( به شرح مربوط به صفحه ۹۶ ، سطر ۱۲ ،  
مراجعه شود ) .

سطر ۲۲ - ههفویس ( به شرح مربوط به صفحه ۸۸ ، سطر ۳۱ ،  
مراجعه شود ) .

سطر ۲۲ - منیس ، نام یونانی نخستین فرعون تاریخ مصر که سلسله اول فرانسه را  
پدید آورد ، و شهر منیس را ساخت تا پایتخت خود کند . این فرعون بقدری  
قدیمی است که بیشتر جنبه افسانه‌ای دارد .

سطر ۲۲ - سارو ( بشرح مربوط بصفحه ۹۴ ، سطر ۴ ، مراجعه شود ) .

### صفحه ۱۲۳

سطر ۲ - اکبر نادرشاه معروف سلسله منول هندوستان - نو بابر و پسر همایون  
دو پادشاه مشهور هند که با سلسله صفوی معاصر بودند .

سطر ۲ - جهانگیر پسر اکبر که در ۱۶۰۵ بجای پدر بر تخت سلطنت  
هندوستان نشست و فتح مهمی در پنجاب کرد، ولی مخصوصاً بکار مملکتداری اهمیت  
داد، و همیشه در شرح حال او مینویسند که وی نام نیک و کشورداری خود را مرهون  
زن زیبای ایرانیس اورجیان است، که قطعه « نور محل » مربوط بدوست .

سطر ۵ - امره نام یکی از ۳۶ نمبه طبقاً بر سوزاس که در سلسله  
مراتب اجتماعی هندوستان با این تریب طبقات است .

سطر ۱۲ - «سرزمین آریاها که بدست نیاکان او تصرف شد»؛ اشاره به فتح هندوستان از طرف تیمور و ایجاد سلسله سلاطین گورکانی هنداست که «خانواده مغول هند» لقب دارند.

سطر ۱۷ - مهرات نام قبیله ای از هندوستان که مردم آن به جنگجویی معروف هستند.

سطر ۲۱ - مهرها - در اصل فرانسه Sudeas یا کین ترین طبقه مردم در سلسله طبقات اجتماعی هندوستان

سطر ۲۲ - برهمن، عنوان روحانیون آیین برهما در هندوستان. برهمنان عالیترین طبقه در سلسله طبقات اجتماعی هندوستانند.

#### صفحه ۱۳۴

سطر ۱ «بابو» لقب قدیم «میرزاها» و مستوفی های هندی، که اکنون بصورت تحقیر بکار می رود.

سطر ۲ - سالیسی ها چارپاداران و «مهرها» در اصطلاح هندی.

سطر ۱۱ - پنجاب منطقه بزرگ غربی هندوستان که امروزه جزء پاکستان و مرکز آن لاهور است.

سطر ۱۱ - کرنات اسم قدیمی منطقه ساحلی هندوستان.

#### صفحه ۱۳۶

سطر ۱۰ - نیال کشور مستقل شمال هندوستان که کوه معروف اورست در آنجاست و بغراوانی بزرگ شهرت دارد.

#### صفحه ۱۴۰

سطر ۸ - گلخند (شرح مربوط به صفحه ۱۱۳، سطر ۲ مراجعه شود).

#### صفحه ۱۴۴

سطر ۱ - «رئیس سواران مدین کلام»؛ مقصود تیمور است.

سطر ۱۰ - قره قوروم کوهستان مرکزی آسیا.

سطر ۱۰ - تانارستان، نام قدیم سرزمین تانارها در آسیای مرکزی، تقریباً در ترکمنستان شوروی کنونی، بین منطقه سیبری و بحر خزر و ایران و افغانستان و تبت و مغولستان.

#### صفحه ۱۴۶

سطر ۳ - «سران سیاه چرده سوساز خوانان»؛ مقصود اعراب است. سوساز خوان لقبی است که ایرانیان به عربها داده بودند. سیاه چرده در اینجا مفهوم اصطلاحی است که ترجمه تحت اللفظی آن «بابشانیهای برنکامی» است و مقصود اینست که صورت اعراب در آفتاب سوخته بود.



## صفحه ۱۴۰

سطر ۱۸ : « مرغ روشن بال » اشاره بدانکه همای را در افسانه‌های ایرانی « مرغ سعادت » و مظهر اقبال و خوشبختی میدانستند .

## صفحه ۱۵۸

سطر ۴ : « درختان زعفران واقعا » این شعر و شعرهای دیگر نریستان کلنگسور که در این کتاب نقل شده ، نشان میدهد که شاعر شخصا بایران سفر نکرده و قطعات او دربارهٔ این کشور فقط جنبهٔ خیالپردازی شاعرانه دارد .

## صفحه ۱۶۰

سطر ۱۶ : علی بابا ، قهرمان داستان معروف چهل دزد هزار و یکشب .  
سطر ۱۶ - شهریار ، پادشاهی که شهرزاد داستانهای هزار و یکشب را برای او حکایت میکرد .

## صفحه ۱۶۲

سطر ۱۴ : زلیخای من . « زلیخا » نامی است که گوته در دیوان شرقی خود بر روی « ماریان ویلمر » محبوبهٔ خویش نهاده بود تا در عالم خیال او را دختری از دختران شیرازی بداند . این نام با آنکه کاملاً ایرانی نیست ، بعد از گوته در ادبیات آلمانی و اروپایی بصورت اسم عامی برای دختران شیرازی درآمده است .  
سطر ۱۷ : شاهزاده سهراب ، قهرمان یکی از داستانهای هزار و یکشب .

## صفحه ۱۶۶

سطر ۲ : زلیخا ، ( به شرح صفحه ۱۶۳ ، سطر ۱۴ ، مراجعه شود ) .

## صفحه ۱۷۴

سطر ۱۵ : علاءالدین . قهرمان داستان معروف « چراغ جادو » در هزار و یکشب .

## صفحه ۱۷۴

سبوی خیارام . منبع این قطعه ، يك روایت ساخنگی فارسی است که این دوربای منتسب بخیارم بر زمین آن سروده شده است .

ابریق می مرا شکستی ، ربی ؛  
برخاک بریختی می نساب مرا  
مرمن در عیش را بیستی ، ربی ؛  
خاکم بدهن ، مگر تو مستی ، ربی ؛

و  
ناکرده گناه در جهان کیست ، بگو ؛  
من بدکنم و تو بد مکافات دهی ؛  
آن کس که گناه نکرد ، چون زیست ، بگو ؛  
بس فرق میان من و تو چیست ، بگو ؛

## صفحه ۱۷۶

سطر ۳ - : نئی خراب از می ناب . در اصل فرانسه این حافظ وورلن ، به Silène گیاه حساس و ضربی تشبیه شده که بخصوص در جنگلهای مغرب فرانسه

میروید و خیلی زود پزمرده میشود. این قطعه از داستان معروفی نقل شده که با احتمال قوی ساختگی است.

### صفحه ۱۸۴

**گور شاعر** . موضوع این قطعه زیبا، از « چهارمقاله نظامی عروضی » اقتباس شده : « ... در میان مجلس عشرت از حجة الحق عمر شنیدم که او میگفت گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان کند . مرا این سخن مستحیل بود و دانستم که جنوبی گزاف نکوید. چون در سنه ثلاثین بتشایور رسیدم چهار سال بود تا آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود و عالم سفلی از او یتیم مانده ، و او را بر من حق استادی بود. آدینه‌ای بی‌یارت اورفتم. مرا بگورستان حیره بیرون آوردند. بردست چپ گشتم، در پائین دیوار باقی خاک اورا دیدم نهاده و درختان از مرود و زرد آلوسرا از باغ بیرون کرده و چندان شکوفه بر خاک اور ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود، مرا یاد آمد آن حکایت که بشهر بلخ از او شنیده بودم . گویه بر من اقتاد که در بسیط عالم و اقطار ربع مسکون او را هیچ جای نظیری نمیدیدم. ایزد تبارک و تعالی جای اورا در جهان کناد » ( چهارمقاله نظامی : عروضی ، مقالات سوم : حکایت هشتم )

### صفحه ۱۸۴

سطر ۵ : « استاد او منکر معجزه بود ». اقتباس از چهارمقاله نظامی « ... اگر چه حکم حجة الحق عمر دیدم ، اما ندیدم اورا در احکام نجوم اعتقادی » ( چهارمقاله نظامی عروضی : مقالات سوم : حکایت هشتم )

### صفحه ۱۸۴

سطر ۱۹ : رفان نویسنده و محقق و دانشمند بزرگ فرانسوی قرن نوزدهم، که قسمتی از شرح تجلیل آمیز و فاضلانه او درباره شاهنامه فردوسی در قسمت نویسندگان فرانسوی این کتاب نقل شده است.

### صفحه ۱۸۶

سطر ۱۱ - « اگر منقار خود را از کار نیندازد » ... مقصود اینست که اگر طوطی با از کار انداختن منقار خود، از ادامه کار خویش جلوگیری نکند، آنقدر خواهد افتاد که آخر خواهد مرد .

### صفحه ۱۹۰

سطر ۱ - اسقر ( بشرح مربوط بصفحه ۱۸۸ مراجعه شود ) .

### صفحه ۱۹۸

سطر ۱۵ - « زیبارویی که در خواب جاودان رفته است » . در متن فرانسه اشاره به « زیبای خفته در جنگل » ( La Belle au bois dormant ) شده که قهرمان افسانه قرون وسطایی معروفی است و « شارل پرو » : داستان زیبایی درباره او دارد .

### صفحه ۲۰۰

سطر ۷ - « مرک داد فالب زنی دیدم » : باید متوجه بود که کلمه « مرک » در

زبان فرانسه اصولاً مؤنث است.

### صفحه ۳۰۶

سطر ۷ - شراب کلبوی **کارهنی**؛ کنتس دونوآی، در جای دیگری این شراب را شرایبی توصیف میکند که از پکنی اذنواچی عثمانی آمده است.

سطر ۱۷ - «وقتیکه لیلا انگشت بردر خانه حافظ میزد...» این نکته عارفانه را «مولوی» طی داستانی در مثنوی آورده، و کنتس دونوآی که قطعا آنرا در جایی خوانده بوده، این داستان را بحافظ نسبت داده است.

### صفحه ۳۱۰

سالامین (بشرح مربوط به صفحه ۱۰۲، سطر ۱۶، مراجعه شود)

### صفحه ۳۱۲

سطر ۵ - **مکابات** یا مکابیزیکی از شش سرداری که با داریوش بسرای خلع اسپردیس از سلطنت هم بیمان شدند و دست به «گودتا» می برای از میان بردن او زدند که منجر بروی کار آمدن داریوش بزرگ شد. مکابیز در زمان داریوش مقدونیه و تراکیه را فتح و ضمیمه شاهنشاهی ایران کرد.

سطر ۹ و ۱۰ - **لیدی و سارد** (بشرح مربوط به صفحه ۹۴، سطر ۴، مراجعه شود)

سطر ۱۴ - **هیسپی** نام قدیم سرزمینی در مغرب آسیای صغیر، که شهر معروف «تروا» پایتخت آن بود.

سطر ۱۵ - **آمولوس** نام کوهستان و شهری در لیدی قدیم، در آسیای صغیر، که نام کنونی آن «بزداغ» است.

سطر ۵ - **تراکیه** نام قدیم تمام نواحی واقع شمال یونان که بعدها فقط بناحیه بلغارستان و قسمتی از رومانی و مقدونیه فعلی اطلاق شد.

### صفحه ۳۱۴

سطر ۶ - **هله** نام یونانی تنگه داردانل یا هلسپونت. هله الهه‌ای بود که در این تنگه غرق شد.

سطر ۱۰ - **قهرمان آسمانی** - مقصود Perseus رب النوع یونانی است که یونانیان عقیده داشتند پادشاهان هخامنشی از اعقاب او هستند طبق میتولوژی یونان زئوس خدای خدایان عاشق «دانا» شد و بصورت بارانی از طایرا و فرو بارید و حاصل عشق او فرزندی بود که «پرستوس» نام گرفت و یونانیها معتقد بودند که نام ایران (پرس) از او آمده است.

سطر ۱۷ - **آرس** خدای جنگ در میتولوژی یونان.

سطر ۱۸ - «کماندار انتقامجو در برابر نیزه افکنان یونان زمین بپا خاسته است». اشاره به قدرت ایرانیان در تیراندازی و قدرت یونانیان در جنگ تن بدن با سر نیزه است.

### صفحه ۲۱۸

سطر ۳ - **هرمس** - پسر زئوس و قاصد خدایان در میتولوژی یونان

### صفحه ۲۲۰

سطر ۴ - **ژرژ ام** - کلیسای معروف «نتردام دو پاری» در پاریس، یکی از بزرگترین شاهکارهای معماری گوتیک که ساختمان آن در قرن دوازدهم شروع و در قرن سیزدهم تمام شد. مراد از «بنجره‌های پر نقش و نگار» که در اینجا بدان اشاره شده، بنجره‌های شیشه‌ای معروف **ژین کلیسا** است که نقشه‌های آنها **Rosace** میگویند.

سطر ۵ - **اوتوی** - ناحیه‌ای از پاریس که سابقاً دهکده‌ای در بیرون این شهر، و اقامتگاه شعرای بزرگی مثل **بوالو**، **مولیر**، **لافونتین** و غیره بود.  
سطر ۵ - «ای» - نساجیه مرکزی فرانسه، کنار رود «کروز» ، مولد دکارت.

سطر ۵ - **پروون** - ناحیه شمالی فرانسه در استان «سن و مارن» که آثار قرون وسطایی آن معروف است.

سطر ۵ - **ایل دو فرانس** نام قدیمی ناحیه بزرگی در فرانسه که شامل استانهای سن، «سن و اواز»، «سن و مارن»، و مرکز آن شهر پاریس بود.  
سطر ۶ - **گورنل** - ناحیه کوچکی در ایل دو فرانس، کنار سن و مارن.

سطر ۶ - **وکسن** - نام قدیمی ناحیه‌ای در شمال فرانسه، که نیمی از آن متعلق به فرانسه و نیمی مال آلمان بود، و شهر «پونتواز» مرکز آنست.

سطر ۶ - **پاریزی** - ناحیه کوچکی از منطقه «ایل دو فرانس» فرانسه، در استان «سن و اواز» که شهر «لوور» مرکز آن است.

سطر ۷ - **لوگزامبور** - باغ و کاخ معروف پاریس که در ۱۶۱۵ ساخته شد و تا چند سال پیش مرکز سنای فرانسه بود.

سطر ۷ - **باتینیول** محله‌ای در شمال پاریس که دارای باغ‌های زیبایی است. این محله در سال ۱۸۶۰ ضمیمه پاریس شد.

### صفحه ۲۲۳

سطر ۶ - **ویون** - فرانسوا ویون، شاعر فرانسوی قرن پانزدهم (۱۴۳۱-۱۴۸۹).

سطر ۶ - **رنسار** - **پیر دوراسار**، شاعر فرانسه (۱۵۲۴-۱۵۸۵) که تحول برجسته‌ای در نظم و ادب فرانسه پدید آورد.

- سطر ۶ - **لافونتن** - به صفحه ۲۶ مقدمه این کتاب رجوع شود .  
 سطر ۷ - **شنیه** - به صفحه ۲۹ مقدمه این کتاب رجوع شود .  
 سطر ۷ - **بودلر** - شارل بودلر، شاعر بزرگ قرن نوزدهم فرانسه (۱۸۲۱-۱۸۶۷) ، صاحب اثر معروف «گل‌های اهریمن» .  
 سطر ۷ - **ورلن** - به صفحه ۳۴ مقدمه این کتاب رجوع شود .  
 سطر ۷ - **فروال** - ژرارد فروال، شاعر و نویسنده نامی فرانسه (۱۸۰۸-۱۸۵۵) .  
 سطر ۷ - **موسه** - المر دو موسه ، شاعر معروف فرانسوی ( ۱۸۱۰ - ۱۸۵۷) ، یکی از بزرگترین نوابع ادب جهان .  
 سطر ۷ - **لامارتین** - به صفحه ۳۰ مقدمه این کتاب رجوع شود .  
 سطر ۷ - **هوگو** - به صفحه ۳۱ مقدمه این کتاب رجوع شود .

### صفحه ۴۴۶

- سطر ۲ - «**آیگران**» پادشاه ارمنستان در قرن اول پیش از میلاد مسیح ، داماد و جانشین مهرداد کبیر .  
 سطر ۱۵ - **آئوئیداس** پادشاه اسپارت و سردار یونانی که در تنگه ترموپیل در برابر خشایارشا پایداری کرد و با همه نفرات خود کشته شد (شرح صفحه ۱۰۲) ، سطر ۲ مراجعه شود)  
 سطر ۱۷ - **آرمید** زن زیبایی که فهرمان کتاب «اورشلیم آزاد شده» Tasse است . این زن که به جادوگری نیز آشنا بود باغهای سحرآمیزی بنیروی جادو ساخت که «باغهای آرمید» نام گرفت و در آنجا محبوب خود «زنو» را پنهان کرد تا چنگلچویان صلیبی نتوانند او را پیدا کنند و با خود ببرند .  
 سطر ۱۱ - **گنگ** رود معروف هندوستان  
 سطر ۲۳ - **حیدر علی** پادشاه کشور «میسور» در هندوستان که بیست سال برای جلوگیری از اشغال سرزمین خود با انگلیسها جنگید و بی آخر با خنده شکست خورد .

### صفحه ۴۴۲

- سطر ۶ - «**لوور**» بنای تاریخی و با عظمت پاریس که «بنای دراز دربار پادشاهان فرانسه» بود .  
 سطر ۱۳ - **Bole** خدای باد و خرفان در میتولوژی یونان ، پسر زئوس خدای خدایان .

## صفحه ۲۴۶

سطر ۶- «شبح صگی بزرگ»؛ اشاره به «دب اکبر» که در اصطلاح هیئت فرانسه Le Grand Chien خوانده میشود.

## صفحه ۲۴۸

سطر ۳- Pentecôte عید مقدس یهودی و مسیحی ، که در نزد مسیحیان پنجاه روز بعد از عید یاک ، بمناسبت روز نزول «روح القدس» بر حواریون برقرار میشود، و «عید خمسن» نام دار

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۷ مقدمه	آخر	(۱۵۳۹ - ۱۵۹۹)	(۱۶۳۹ - ۱۶۹۹)
۳۹ مقدمه	۱۴	Bienoit	Benoit
۴۰	۹	رندان	زندانی
۴۲	۲	آفریدگان	آفرینندگان
۴۴	۱۶	طفلیرا	طعمه ایرا
۴۸	۱۶	آستر	الیز
۵۴	۲	هماده	هماره
۵۸	۴	همه	همه جا
۷۸	۷	خدائی دیگر	خدائی بنام گاو
۱۰۲	۷	رب النوع	ربه النوع
۱۰۲	۷	ای شب	درشب
۱۰۴	۱۴	بهشی	بهشتی
۱۱۴	۳	تروشرو	ترشرو
۱۴۲	۴	بازوان	بازوان او
۱۴۲	۴	پر صفای او	پر صفا
۱۵۸	۳	پراز	برازدوختان
۱۸۶	۱۱	بکار	ازکار
۱۸۶	۱۵	مردان	امردان
۱۹۰	۳	وا	رو
۱۹۰	۶	پرواه	پرواز
۲۲۲	۸	سپیگون	سپیگون





## زیر چاپ

قسم دوم «ایران در ادبیات فراسه»، شامل بهترین صحیفات مربوط  
بایران در آثار:

رابلس، مونتینی، مساد موازل دو اسکودری، بوالو،  
بوسوآه، پاسکال، فنلون، سیرانو دو برژرا، مونتسکیو، ولتر،  
برناردن دوسن پیر، روسو، شاتو بریان، لامارتین، هوگو،  
میشله، فلوبر، سنت بوو، آمپر، گوینو، رنان، آناتول فرانس،  
پیر لوتی، موریس بارز، کلود فارر، آلفونس دودے، آندرہ ژید،  
گنتس دونوآی، پل والری، ژول رومن، پروست، آبل بونار،  
پرنس بیسکو، میریام هاری، آندرہ مالرو، متر لینک، پیر بنوا.

## ایران در ادبیات جهان، جلد دوم

ایران در ادبیات آگلموساکسون، شامل صفحات منتخب بضم  
مربوط بایران، در آثار

چوسر، مارلو، درابدن، کالینز، شکسپیر، میلتن، بن جانسن،  
وردزورث، والٹر اسکات، تامس مور، لی هنت، تراچ، باپن،  
شلی، تنیس، اسکار وایلد، ماتیو آرنلڈ، سوین برن، ایوت،  
دریمک و آتر، فلکر، بینیون، سکویل وست  
فیلیپ ورنو، سدنی لایر، امرسن، ادگار پو، الدریدج، ویتیر،  
ولت وینمن، وشل لیندسی، جیمز راسل لاول، تاگور، نایدو.

## از همین دفتر جیم :

مقتبجی از زیبا ترین شاهکارهای شعر جهان : شامل برگزیده‌های

از بهترین آثار ساعرانه ۱۲۰ تن از بزرگترین شعرای دنیای عرب و راسه ، انگلستان ، آلمان ، روسیه ، اسپانیا ، کشور های نالکان ، کشور های اسکاتلند ساوی ، امریکا ، امریکای جنوبی ، با شرح حال شعرا و معرفی آثار برجسته و مکسهای ادبی آنها ، در ۵۰۰ صفحه بزرگ

دیوان شرقی West - Ötlicher Diwan ، شاهکار

گونه ، عالی ترین اثر ادب جهانی در مجلیل از ایران و حافظ شیراز ، با مقدمه تاریخی و شرح و حواشی مفصل و تطبیق اسعار کوتاه ، منابع آینه‌دار آثار حافظ و سایر شعرای ایرانی و کتابهای مدهمی

شاهکارها ، مستحی از بهترین داستانهای کوتاه بزرگترین

نویسندگان عربی قرن نوزدهم و ستم ، که با کمون چهار جلد آن ، شامل آثار پوسکس ، نور گیمف ، آمانون فرانس ، امیل دولای ، ارنور سیستئر ، مر نارد ساو ، آندره رید ، گی دوموباسان ، سمرسب موام ، بوماس مان ، گابریل دابوریو ، بلاسکو و اینایر ، جان کالروردی ، هاری بر دو ، سلما لا گر لوف ، لونیجی پیرا د او ، بیر لوئیس ، کلود مارر ، ارس همپنگوی ، جان اشاین ، ویکتی ناوم ، آندره موروا ، حورانی و ارکا ، کراسه دلدنا و بارده نویسنده دیگر ، اشار یافته است